

نقش عنصر «حیا» در تربیت

بحث ما راجع به تربیت به معنای روش رفتاری و گفتاری دادن بود...



رُوی عن رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم): «إِنَّ الْعِبْرَةَ مِنَ الْإِيمَانِ»؛
 بحث ما راجع به تربیت به معنای روش رفتاری و گفتاری دادن بود. گفته شد اولین محیطی که قوی‌ترین نقش سازندگی را بر روی انسان دارد؛ محیط خانوادگی و رابطه پدر و مادر با فرزند است. پدر و مادر در سه بُعد نقش روش دادن و تربیت کردن فرزند را دارند؛
 1- دیداری 2- شنیداری 3- رفتاری.
 در جلسه گذشته، بحث ما به اینجا رسید که در ارتباط با مسأله دیداری، هم پیکره‌ی پدر و مادر و هم تبعات آنها از نظر پوشش، نقش سازندگی و تربیتی دارد و به فرزند روش می‌دهد. چه رسد به پوشش خود فرزند.
 بحث به اینجا رسید که پدر و مادر باید این معنا را در نظر داشته باشند که در این رابطه دیداری، به نحوی عمل نکنند که آن ودیعه الهیه به نام «حیا»؛ در درون فرزند سرکوب شود، بلکه باید او را زنده کنند نه اینکه بمیرانند؛ که جلسه گذشته عرض کردم در این جلسه وارد این بحث می‌شوم. چون در تربیت به طور کلی نقش اساسی دارد.

نقش «حیا» در تربیت

حیا و شرم چیست؟ چون اینجا بحثم به روش مسائل اخلاقی است اول می‌روم سراغ تعریف علمای اخلاق. آنها در مباحث اخلاقی یکی از رذائل اخلاقی را به عنوان «حیا»؛ مطرح می‌کنند که ما به آن می‌گوییم: بی‌شرمی؛ و ضد آن را «عفاف» می‌گویند. وقاحت از رذائل نفسانی است و عبارت است از: عدم مبالات نفس از ارتکاب محرمات شرعی و عقلیه و عرفیه. در مقابل آن، ما می‌گوییم ضد او حیا است. (البته شاید در جلسه آینده این را بگویم که عفاف ضد خاص است اما من فعلاً ضد عام آن را می‌گویم. فعلاً نمی‌خواهم در اصطلاحات پیچیده وارد بشوم)

تعریف حیا

حیا عبارت است از: محصور کردن و انفعال نفس از ارتکاب محرمات شرعی و قبائح عقلیه و عرفیه، به جهت اینکه نکوهش نشود. مرحوم مجلسی (رضوان الله تعالی علیه) هم تعریفی راجع به حیا دارد که می‌فرماید: «الْحَيَاءُ مَلَكَ لِلنَّفْسِ تَوْجِبُ إِتْقَانِهَا عَنِ الْقَبِيحِ وَ إِتْقَانِهَا عَنِ خِلَافِ الْأَدَابِ حَوْفًا مِنَ التَّوْمِ»؛ اگر بخواهم مطلب و بحث را ساده کنم؛ حیا یک نوع پوشش برای روح است. این تعبیر که عرض کردم تقریباً هم در آیات قرآن وارد شده است هم در روایات. که البته در روایات روشن‌تر است. در باب روح اینطور است که این برای انسان یک امری است از امور فطری و اکتسابی نیست. یک پوششی برای روح است.

حیاء در ارتباط با خداوند، دیگران و خود

آن وقت این پوشش، در روابط گوناگون قرار می‌گیرد. یک وقت در ارتباط با خدا قرار می‌گیرد، یک وقت در ارتباط با مخلوق و حتی یک وقت در ارتباط با خود انسان قرار می‌گیرد. من نمی‌خواهم الان وارد بحث حیا بشوم چون چندین سال پیش این را بحث کرده‌ام. لذا تقسیم‌بندی می‌کنند و می‌گویند «حیاء من الله»؛ یعنی: از خدا خجالت بکش «حیاء من الخلق»؛ یعنی: از مردم خجالت بکش «حیاء من النفس»؛ یعنی: لاقلاً از خودت خجالت بکش.

«حیا من الله» عبارت از تقوا است

در باب آنجایی که «حیا من الله»؛ و خجالت کشیدن از خدا است، تعبیر می‌کنند به «تقوا»؛ شما در قرآن این تعبیر را ببینید: «يَا بَنِي آدَمَ قَدْ أَنْزَلْنَا عَلَيْكُمْ لِبَاسًا يُؤَارِي سَوْءَآتِكُمْ وَ رِيشًا وَ لِبَاسُ التَّقْوَى ذَٰلِكَ خَيْرٌ ذَٰلِكَ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ...»؛ ای فرزندان آدم! لباسی برای شما خلق کردیم که شما را می‌پوشاند و مایه‌ی زینت شماست. اما لباس پرهیزکاری بهتر است. اینها (همه) از آیات خداست تا متذکر نعمتهای او شوند.

تقوا یک چیز درونی و مربوط به روح است. پوششی برای روح است. در این آیه از آن تعبیر به لباس می‌کند. پوشش است. من نمی‌خواهم وارد تفسیر این آیه بشوم؛ که به! برخی مفسرین در این آیه 171#&: يَا بَنِي آدَمَ قَدْ أَنْزَلْنَا لِيَابَسًا يُؤَارِي سَوْءَاتِكُمْ وَ رِيْسًا؛ رفته‌اند سراغ همین پیراهن و لباس ظاهری و... ولی یک احتمال این است که نه! مقصود حیا است. و در 171#&: أَنْزَلْنَا؛ معنای نزول، خلقت است. در آیات زیادی هم داریم که نزول به معنای خلقت است مانند این آیه: 171#&: وَ أَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ؛ خداوند آهن را که از آسمان پایین نینداخته است؛ غرض خلقت است. و آیاتی مثل: 171#&: وَ أَنْزَلَ لَكُمْ مِنَ الْأَنْعَامِ ثَمَانِيَةَ أَزْوَاجٍ؛ وَ إِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا عِنْدَنَا خَزَائِنُهُ وَ مَا نُنزَلُهُ إِلَّا بِقَدَرٍ مَعْلُومٍ؛ که در همه این آیات، نزول به معنای خلقت را می‌گوید. حالا من نمی‌خواهم از بحث منحرف شوم. عمده بحث این بود که تقوا، 171#&: الْحَيَاةِ مِنَ اللَّهِ؛ است و حیا یک پوشش است. لذا علی (علیه السلام) در روایتی می‌فرماید: 171#&: أَحْسَنُ مَلَابِسِ الدُّنْيَا أَلْحِيَاءُ؛ بهترین لباس‌های دنیا، حیا است. در این روایت خیلی دیگر روشن و شفاف است. حیا یک پرده‌ای است بر روی روح.

حیا امری فطری و آمیخته با خلقت انسانها است

دیگر اینکه این یک امری است فطری و آمیخته شده با خلقت هر انسانی است و از مختصات انسان هم هست. آن‌هایی که اهلش هستند را ارجاع می‌دهم به آن حدیثی که جنود عقل و جهل را دارد. در اصول کافی است و مرحوم صدرالمتألهین (رضوان الله تعالی علیه) آن را شرح کرده است. در آن روایت می‌فرماید 171#&: ... وَ الْحَيَاءُ وَ زِيْدَةُ الْخَلْعِ؛ ضد حیا را می‌گوید: پرده‌داری. یعنی پرده‌داری. پس معلوم می‌شود حیا پرده است. بعد مرحوم صدر المتألهین که می‌خواهد حیا را معنا کند، می‌فرماید: 171#&: أَلْحِيَاءُ غَرِيْزَةٌ إِنْسَانِيَّةٌ؛ حیا غریزه‌ای انسانی است.

بنابراین حیا از مختصات انسان است و امری است آمیخته به وجود و خلقت انسان. مابه الامتیاز انسان از سایر حیوانات در همین است. یکی از فرق‌های انسان با حیوان همین جا است. ما یک مابه الاشتراکات با حیوانات داریم مانند اینکه: آنها می‌خورند ما هم می‌خوریم، آنها می‌آشامند ما هم می‌آشامیم. غریزه جنسی و امثال این‌ها را دارند. اما انسان یک مابه الامتیاز دارد. مابه الامتیاز انسان از حیوان به حیای انسان است، به همین است یعنی همین پوشش که خداوند در درون انسان به ودیعه گذاشته است و خدا بذر حیا را در درون هر انسانی پاشیده است، نشای حیا را کاشته است. امری اکتسابی نیست. مثل بقیه امور فطریه در انسان است که باید انسان او را شکوفا کند.

من بحث اینجا بود. و این هم در ارتباط با عقل عملی است که ادراک حسن و قبح است. لذا علی (علیه السلام) در روایتی می‌فرماید: 171#&: أَعْقَلَ النَّاسِ أَحْيَاهُمْ؛ عاقل‌ترین مردم باحیاتی‌ترین و باشرم‌ترین مردم است. یعنی این غریزه هرچه رشد پیدا کند در انسان. این در بُعد انسانی بود. در بُعد الهی آن هم این است، چون ما هم بُعد انسانی داریم هم بُعد الهی داریم، انسان اینگونه است ابعاد گوناگون دارد؛ در بُعد الهی ما هم همین است؛ روایت از امام صادق (علیه السلام) است که می‌فرمایند: 171#&: لَا إِيْمَانَ لِمَنْ لَا حَيَاءَ لَهُ؛ کسی که شرم ندارد ایمان ندارد.

من در ابتدا گفتم: 171#&: الْحَيَاةِ مِنَ اللَّهِ تعالی؛ همین حیا است که انسان را از نظر اعمال زشت و قبیح باز می‌دارد و ما در روایت از علی (علیه السلام) داریم: 171#&: أَلْحِيَاءُ يَصُدُّ عَنْ فِعْلِ الْقَبِيْحِ؛ حیا انسان را از انجام عمل قبیح باز می‌دارد. حال قبح آن قبح عقلی باشد یا قبح شرعی. من اینها را فهرست‌وار می‌گویم. یک پوشش الهی است. انسان از نظر ذاتش پرده‌دار است یعنی باحیاست، پرده‌دار نیست؛ چه در بُعد انسانی، چه در بُعد الهی. انسان در هر دو بُعد اینطور است. اصلاً در درون او است، یک چیز تحمیلی برای انسان نیست.

پرده‌داری در درون فرزند موجود است

هر بچه‌ای که به دنیا می‌آید، از نظر درونی نهاد او این چنین است. پرده‌دار است نه پرده‌دار و همان پرده‌داری موجب می‌شود که به طرف فعل قبیح و زشت نمی‌رود، من عرض کردم 171#&: حیای من الله؛ داریم، 171#&: حیا من الناس؛ داریم، 171#&: حیا من النفس؛ داریم. اینها در جای خودش بحث دارد، ولی بدانید ریشه این است. این که من عرض کردم راجع به حیا، هم نسبت به پیشگیری نسبت به افعال زشت است؛ هم قبل از آن است هم بعد از آن است. کارسازی دارد. قبل از آن مانعیت دارد یعنی این موجب می‌شود که انسان به سمت کار بد و زشت نرود، یعنی همین شرم که درونی است موجب می‌شود شرم او می‌آید. اگر یک وقتی هم - نعوذ بالله - فرض کنید یک کار زشتی از او سر زد تا آنجایی که هنوز مسخ نشده است و این پرده به طور کلی دریده نشده و از بین نرفته، متأثر می‌شود. خود او خجالت می‌کشد؛ خودش، خودش را سرزنش می‌کند. لازم نیست دیگران به او بگویند. که ما تعبیر می‌کنیم می‌گوییم: وجداناً ناراحتیم. این "وجداناً ناراحتیم" معنای آن همان مسأله حیا بوده که خداوند در درون او گذاشته بوده است.

این پرده را درید و مرتکب این کار زشت شد یعنی این مرزشکنی را کرد، چه مرز الهی باشد، چه مرز انسانی باشد، تا برسد به عرفی آن، در هر رابطه‌ای، هم قبل را می‌گیرد هم بعد را می‌گیرد؛ این تا آنجایی است که من عرض کردم و آن اینکه به طور کلی بر اثر تکرار قبائح این پرده حیا از بین نرفته باشد. این را می‌خواستم بگویم خیال نکنید که فقط راجع به قبل است نخیر، بعد از عمل او هم هست. آن وقت اینجاست که - نعوذ بالله - اگر مسخ شد و این حیا و پرده‌داری او از بین رفت، دست به هر جنایتی می‌زند. ما تعبیر می‌کنیم می‌گوییم: آدم دریده‌ای است. چه را دریده است؟ پرده حیا را دریده و پاره کرده است.

لذا ما این را در روایات متعدده داریم و این روایات را هم خاصه نقل می‌کنند، هم عامه. خیال نکنید فقط از طریق ماست. نه! اهل

سنت هم نقل می‌کنند. آنها هم متعدد نقل می‌کنند، ما هم متعدّد داریم. دارد از پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) «تم یَبِقُ مِنْ أَمْثَالِ الْأَنْبِيَاءِ إِلَّا قَوْلُ النَّاسِ إِذَا لَمْ تَسْتَحْضِرْ فَاصْنَعْ مَا شِئْتَ؛ حضرت فرمودند از مثال‌هایی را که پیامبران الهی می‌زدند باقی نماند مگر این حرفی که حرف همه مردم است، این را خوب دقت کنید، قول همه مردم. چرا؟ چون همه انسان‌اند، حیوان نیستند. و آن مثال شایع در میان مردم این است: وقتی که بنا شد شرم نداشته باشی هر جنایتی می‌خواهی بکن. یک روایت دیگر از امام هشتم (علیه السلام) دارد حضرت فرمود: «ما بَقِيَ مِنَ أَمْثَالِ الْأَنْبِيَاءِ (عليهم السلام) إِلَّا كَلِمَةٌ: إِذَا لَمْ تَسْتَحْضِرْ فَاعْمَلْ مَا شِئْتَ؛ در روایت قبلی «فاصنع ما شئت؛ بود این «فاعمل؛ است. یک جمله از مثالهای انبیا در میان مردم ماند و آن اینکه وقتی که بنا شد شرم نداشته باشی هر چه می‌خواهی بکن. عامه هم نقل می‌کنند. در دو جای کنز العمال دارد و آن این است از پیغمبر اکرم «أَخْرَجَ مَا أَدْرَكَ النَّاسُ مِنْ كَلَامِ نُبُوَّةِ الْأُولَى: إِذَا لَمْ تَسْتَحْضِرْ فَاصْنَعْ مَا شِئْتَ؛

وظیفه پدر و مادر در رشد دادن حیای فرزندان در همه ابعاد

مسأله حیا در باب تربیت یک نقش زیر بنایی دارد به این معنا که پدر و مادر که به طور معمول و متعارف دو مرتب دست اول برای انسان هستند، اینها آنچه را که باید روی آن دقت کنند این است که نکند من پرده حیای این بچه را بدرم، بلکه پرده حیای او را حراست و حفاظت و رشد بدهند. نمی‌خواهد تو به او حیا بیاموزی نه! سرکوبش نکن، خود او شرم ذاتی دارد. این را رشدش بده. چه در بُعد دیداری‌ات، چه در بُعد شنیداری‌ات، چه در بُعد رفتاری‌ات، چه با هیکل‌ات، چه با لباس‌ات، چه با لباسش. بالاترین جنایت پدر و مادر در باب تربیت نسبت به فرزند اینجاست که - نعوذ بالله - در این سه رابطه پرده حیای الهی این بچه را بدرند. اینکه بچه هر کاری دل او می‌خواهد بکند و هرچه می‌خواهد بگوید و هرچه می‌خواهد ببیند. لذا در باب تربیت این مسأله را داریم هیچ قابل شبهه هم نیست، که آن هسته مرکزی که کاربرد زیاد دارد در باب تربیت اینجاست. این را بدانید آن کسانی که اسیر هواهای نفسانیشان هستند که می‌خواهند در جامعه به اهداف شیطانیشان برسند، از همین راه وارد می‌شوند: ترویج لابلالی‌گری، چه در بُعد الهی آن، چه در بُعد انسانی آن، در هر دو بُعد. همین کار را می‌کنند و به اهدافشان می‌رسند، جامعه را سوق می‌دهند به بی‌بندوباری به معنای پرده‌داری، پرده حیای جامعه را می‌درند چه در بُعد دینی آن، و چه در بُعد الهی آن، و چه در بُعد انسانی آن و دیگر هر جنایتی بخواهند می‌کنند. «فاصنع ما شئت؛...

منبع: پایگاه اطلاع رسانی حضرت آیت الله العظمی حاج آقا مجتبی تهران